



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 2, Issue 4, 2022

Restorative Responses in Support of Victims of Crimes against Humanity and the Crime of Genocide

Daryush Sinaeian¹, Hossein Fathabadi^{2*}, Abbas Sheikholeslami³

1. PhD Student in Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 205-213

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0001-6748-5220

TELL: +985136622500

Email: fathabadi.h@mshdiau.ac.ir

Article history:

Received: 17 Oct 2022

Revised: 08 Dec 2022

Accepted: 12 Dec 2022

Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

Restorative Justice, Crime against Humanity, Genocide.

ABSTRACT

Restorative justice is a form of criminal justice based on "compensation." Compensation means trying to repair the deplorable effects of crime and losses, whether in full or symbolic. Today, the issue of repairing and compensation of victims of international crimes is important. Due to the silence of the statutes and legal texts of the Special International Criminal Court on the rights of the victims and the repair of their damages, it is now time to organize a special legal and criminal regime to "repair" the damages inflicted on the victims of international crimes. In addition to resorting to restorative processes in the prosecution of international crimes, especially with regard to the Truth and Reconciliation Commissions which lead to the granting of amnesty to criminals, other restorative methods such as training victims and their participation in cases are also indicated. However, restorative justice in crimes against humanity and genocide is still a new thing, but a comprehensive plan must be developed and implemented internationally to compensate victims.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Sinaeian, D; Fathabadi, H & Sheikholeslami, A (2022). "Restorative Responses in Support of Victims of Crimes against Humanity and the Crime of Genocide" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4): 205-213.



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

پاسخ‌های ترمیمی در حمایت از بزهدیدگان جنایت علیه بشریت و جرم نسل‌کشی

داریوش سینیان^۱، حسین فتح‌آبادی^{۲*}، عباس شیخ‌الاسلامی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

عدالت ترمیمی، نوعی عدالت کیفری مبتنی بر «جبران» است. جبران به معنی تلاش برای ترمیم آثار اسفبار جرم و ضرر و زیان‌های ناشی از آن خواه به صورت کامل و یا به صورت سمبلیک باشد. امروزه موضوع ترمیم و جبران خسارت بزهدیدگان جرایم بین‌المللی دارای اهمیت است. به دلیل سکوت اساسنامه و متون حقوقی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه در خصوص حقوق بزهدیدگان و ترمیم خسارت‌های وارده به آنها، هم‌اکنون نوبت به سازماندهی یک رژیم حقوقی- کیفری ویژه برای «ترمیم» خسارات وارد به بزهدیدگان جرایم بین‌المللی می‌رسد. درکنار توسل به فرآیندهای ترمیمی در رسیدگی به جنایات بین‌المللی بالاخص در خصوص کمیسیون‌های حقیقت‌یابی و آشتی که منتهی به اعطای عفو به بزهدیدگان می‌گردد، روش‌های ترمیمی دیگری از جمله آموزش به قربانیان و مشارکت آنها در پرونده‌ها نیز قابل اشاره است. با این همه هنوز عدالت ترمیمی در جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی نوپا بوده اما باید در سطح بین‌المللی برنامه‌ای جامع و کامل برای جبران آسیب دیدگی و خسارت قربانیان تدوین و اجرایی کرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۰۵-۲۱۳

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۵۲۲۰-۶۷۴۸-۱۰۰۰۹-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۵۱۳۶۶۲۲۵۰۰

ایمیل: fathabadi.h@mshdiau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

عدالت ترمیمی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

خواهد گرفت، درحالی که بر مبنای رویکرد دوم، عدالت ترمیمی در کنار یا در قالب عدالت کیفری سنتی همراه با اصلاح و القای اصول ترمیمی به آن، برای حل و فصل مسائل ناشی از ارتکاب جرم به کار می‌رود. رویکرد ناب‌خواه بیشتر به فرایندهای ترمیمی و رویکرد بیشینه‌خواه بر برآیندهای ترمیمی تأکید دارد که البته در عمل بنا به اقتضائات هر موقعیت خاص، ممکن است یکی از این دو بر دیگری ترجیح داده شود.

دادرسی در دادگاه‌های کیفری موقت و دیوان کیفری بین‌المللی عمدتاً مبتنی بر فرآیندهای سزادهی است، لذا در رسیدگی‌های این محکمه صحبت از فرآیندهای ترمیمی مشکل است، اما آن گونه که گرایش بیشینه‌خواه بر آن تأکید دارد، می‌توان از فرآیندهای سنتی کیفری نیز در راستای دستیابی به برآیندهای ترمیمی بهره جست. شناسایی مسؤولیت فردی بزهکاران، از بین بردن انتقام‌گیری توسط بزه‌دیدگان، ایجاد زمینه برای ایجاد صلح و آشتی و ثبت و ضبط جنایات ارتکاب یافته، چهارکارکرد دادرسی‌های کیفری بین‌المللی هستند. اما در عین حال تاکنون کامل و جامع نبوده و لذا نیازمند تغییرات اساسی و برنامه‌های جامع و کامل در این زمینه در حقوق بین‌الملل است.

۱- مفاهیم کاربردی پژوهش

در این بخش، ابتدا مفهوم عدالت ترمیمی به اختصار توضیح داده شده و سپس به مفهوم جرم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت اشاره خواهد شد.

۱-۱- مفهوم عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی با مجموعه‌ای از اصول مفاهیم و روش‌هایی که اصولاً مبتنی بر احیای حقوق بزه‌دیده و ایجاد زمینه مشارکت فعال وی و جامعه در فرایند اجرای عدالت در امور کیفری است (آشوری، ۱۳۸۸: ۷۱۴/۱) و نیز با ارائه تبیینی متفاوت از نقش‌ها و مسؤولیت‌های سهامداران عدالت، امروزه به‌عنوان رقیب عدالت کیفری سنتی ظهور و بروز داشته است. برخی نویسندگان نیز آن را به‌عنوان جایگزین عدالت کیفری معرفی نموده و جایگزین شدن آن را به‌عنوان راه‌حلی برای تمام دعاوی داخلی و بین‌المللی پیش‌بینی نموده‌اند (Mankel,

جنایات ارتكابی در قرن بیستم که منتهی به بزه‌دیدگی میلیون‌ها تن در سرتاسر جهان شد، لزوم اتخاذ تدابیر کارآمد را برای پیشگیری از تکرار این فجایع مطرح نمود. نخستین نمونه‌های دادگاه‌های بین‌المللی را می‌توان در تشکیل محکمه‌های نورنبرگ و توکیو دانست. بعدها در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ به موجب قطعنامه شورای امنیت برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق و روندا نیز محکمه‌های بین‌المللی تشکیل شد، تا اینکه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ میلادی لازم‌الاجرا شد. با لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون، زمینه برای ایجاد محکمه دائمی بین‌المللی فراهم شد، امری که می‌تواند پدیده بی‌کیفرمانی را محدود کند. اما شاید نتواند عدالت ترمیمی را آن‌گونه که باید و شاید به اجرا بگذارد.

عدالت ترمیمی، مخالفت خود را با عدالت سزادهنده، از مفهوم بزه آغاز می‌کند. عدالت ترمیمی بزه را به‌عنوان یک عمل علیه نظام اجتماعی، روابط انسانی و نقض حقوق افراد تعریف می‌کند. در مقابل، عدالت سزادهنده بزه را نقض هنجارهای اجتماعی و اخلال در نظم آن می‌داند. این موضوع، در تعریف جرم از منظر حقوق کیفری بین‌المللی نیز قابل طرح است. ازین‌رو اگر جنایات بین‌المللی از منظر عدالت ترمیمی تعریف شود، باید آن‌ها را راجع به اختلال حاصله در روابط اعضای جامعه محل ارتكاب جرم دانست درحالی که از منظر عدالت سزادهنده، جنایات بین‌المللی با توجه به نقض هنجارهای بین‌المللی و اختلال در نظم جهانی تعریف خواهد شد.

هدف اصلی نظریه عدالت ترمیمی در مراحل نخستین، حمایت از منافع بزه‌دیده بوده است. در تحولات بعدی، نظریه پردازی جامع‌تر ارائه شد و سرنوشت بزهکار، وضعیت جامعه محلی و حتی مصالح کل جامعه نیز در مراحل مختلف رسیدگی و حتی تعیین و اجرای مجازات مورد توجه قرار گرفت. در درون جنبش طرفدار عدالت ترمیمی، دو گرایش عمده از هم تفکیک می‌شود: از یک‌سو، رویکرد «ناب‌خواه» و از سوی دیگر، رویکرد «بیشینه‌خواه». رویکرد ناب‌خواه معتقد است که عدالت ترمیمی به تدریج جای نظام کیفری سنتی را

نهادهای قانونی پلیسی قضایی) مرتبط و درگیر می‌کند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۲۲).

بنابراین در تعریف مارشال داوطلبانه بودن شرکت در فرایند، مذاکره و تصمیم‌گیری مشترک با مداخله یا نظارت مقام‌های رسمی یا میانجی یا شخص بی‌طرفی که تسهیل‌کننده یا پیش‌برنده گرد همایی طرفین و جریان مذاکره و دستیابی به راه حل محسوب می‌شود، یافتن پاسخ اجتماعی - ترمیمی به جرم و آثار آن و نیز پرداختن به علل ارتکاب جرم و کمک به بزه‌کار در اجرای تعهداتش نسبت به بزه دیده و جامعه محلی، خصایص اصلی فرایند عدالت ترمیمی را تشکیل می‌دهد.

عدالت ترمیمی بر اهمیت ارتقا توجه به نقش بزه‌دیدگان و اعضای جامعه از رهگذر درگیر نمودن فعالانه‌تر آنان در فرایند عدالت ترمیمی تأکید داشته بزه‌کاران را مستقیماً در برابر بزه‌دیدگان و جوامعی که مورد آسیب و زبان قرار گرفته‌اند مسؤول می‌داند. عدالت ترمیمی آسیب‌های معنوی و مادی بزه‌دیدگان را ترمیم کرده و طیفی از فرصت‌های مناسب را برای گفت‌وگو، مذاکره و حل‌وفصل مشکل هر زمانی که امکان داشته باشد، فراهم می‌آورد. این فرصت‌ها احساس بیشتری از امنیت و آرامش جامعه، هماهنگی اجتماعی، صلح و آشتی را برای تمام کسانی که درگیر در مسأله هستند به ارمغان می‌آورد (شیری، ۱۳۸۵: ۲۴).

۱-۲- نسل‌کشی

ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در تعریف جرم نسل‌کشی اشعار می‌دارد: «منظور از جنایت نسل‌کشی، یکی از اعمال مشروح زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابد: الف، قتل اعضای گروه؛ ب، ایراد آسیب شدید به تمامیت جسمی یا روحی اعضای گروه؛ ج، قراردادن عمدی گروه در شرایط زیستی نامناسب که منجر به نابودی جسمی کامل یا بخشی از گروه شود؛ د، اقداماتی به‌منظور جلوگیری از تولد در گروه؛ و، انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر.»

از سوی دیگر ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۱۱ اساسنامه دادگاه ویژه عراق نیز تعریف فوق‌الذکر را تکرار کرده‌اند؟ دیوان بین‌المللی دادگستری اولین مرجع

عدالت ترمیمی می‌کوشد تا با ایجاد سازش و آشتی میان بزه‌دیده و خانواده او از یک طرف و بزه‌کار از طرف دیگر و ضمن تأمین حقوق بزه‌دیده، بین طرفین زمینه صلح پایدار را فراهم می‌کند (رهامی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

اولین استفاده از اصطلاح عدالت ترمیمی در مفهوم جزایی توسط آلبرت اگ لث در سال ۱۹۵۸ بود؛ جایی که وی سه مدل پیشنهادی برای عدالت جزایی داشت: اول، مدل کیفر محور؛ دوم، مدل درمان محور و سوم، عدالت ترمیمی که بر پایه جبران است و برخلاف دو مدل قبل هم بزه‌کار و هم بزه دیده را مدنظر قرار داده است (Vanness & Heet: 2013: 23). درخصوص تعریف این مفهوم توافقی وجود ندارد زیرا مفهومی موسع بوده و دارای جنبه‌های گوناگونی است که کدام از نویسندگان با تأکید بر یکی از این ابعاد به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند.

هوارد زهر^۱ با تأکید بر کارکرد عدالت ترمیمی آن را اینگونه تعریف می‌کند: «عدالت ترمیمی فرایندی است که برای درگیر نمودن کسانی که در یک جرم خاص سهیم‌اند- تا آنجا که امکان پذیر است - تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گرداندن امور به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است اقدام نمایند» (Zehr, & Mika: 2003: 42).

تونی مارشال نویسنده و جرم‌شناس انگلیسی عدالت ترمیمی را این‌گونه تعریف کرده است: «عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن کلیه کسانی که درخصوص یک جرم خاص سهیمی دارند، گرد هم می‌آیند تا به طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته و راه حل بیابند» (Vanness & Heet: 2013: 23).

و در جایی دیگر این تعریف را ارائه داده است که «عدالت ترمیمی یک رویکرد مبتنی بر حل‌وفصل نسبت به جرم است که طرف‌های ذی‌نفع یا به‌طور کلی جامعه جامعه محلی و در موارد جرایم شدید جامعه در سطح (کلان را در یک رابطه فعال با

¹ - Howard Zehr

قضایی است که عرفی بودن کنوانسیون نسل‌زدایی را در رأی مشورتی «حق شرط به کنوانسیون و مجازات جنایت نسل‌زدایی» شناسایی کرده است:

«منشاء تدوین کنوانسیون نشان می‌دهد که نیت سازمان ملل متحد آن بوده تا نسل‌زدایی را به‌عنوان عملی که در حقوق بین‌الملل جرم است محکوم نموده و مرتکبان آن را مجازات نماید. جرمی که متضمن انکار حق وجود کل گروه‌های انسانی است انکاری که وجدان بشریت را جریحه‌دار تلفات عظیمی به بار آورده و مخالف قواعد اخلاق و روح و اهداف سازمان ملل متحد است» (قطعنامه شماره ۹۶ مجمع عمومی ملل متحد). اولین نتیجه‌ای که از این مفهوم متصور می‌گردد آن است که قواعد مندرج در کنوانسیون، اصولی هستند که از سوی ملل متحد شناسایی شده‌اند و برای دولت‌ها حتی بدون وجود تعهدات قراردادی الزام‌آورند. نتیجه دوم به ویژگی جهانی محکومیت نسل‌زدایی و ضرورت همکاری دولت‌ها در این رابطه مربوط می‌شود تا بشریت را از این بالای نفرت‌انگیز رهایی بخشند.

در سال ۱۹۳۳ رافائل لمکین، حقوقدان لهستانی در پنجمین «کنفرانس وحدت حقوق جزای بین‌الملل» که در مادرید برگزار شد، وجود دودسته اعمال جنایی را که به قصد انهدام گروه‌های نژادی، مذهبی و ملی ارتکاب می‌یابد، به‌عنوان «جرایم علیه حقوق بشر» به اثبات رساند. به این ترتیب در ابتدا اعمالی که نسبت به شخص یا نسبت به حیات اقتصادی اعضای اجتماعات بشری به‌شمار می‌رود «جرم قساوت» و اعمالی که به قصد انهدام ارزش‌های فرهنگی جوامع انسانی صورت می‌گیرد، «جرم توحش» نامیده شدند (دونوون دوروزل، ۱۳۵۴: ۶۲). نخست‌وزیر بریتانیا در اوت ۱۹۴۱ با اشاره به جنایات روی داده اعلام نمود که: ما در حال حاضر شاهد ارتکاب جرمی فاقد نام هستیم. رافائل لمکین که با آغاز جنگ جهانی دوم از لهستان گریخته بود و به ایالات متحده پناهنده شده بود، چندی بعد از شنیدن سخنان چرچیل نخست‌وزیر وقت انگلستان اعلام نمود که در توصیف این جنایات واژه «نسل‌کشی - Genocide» را انتخاب نموده است. وی در تعریف این واژه گفت:

«مقصود ما از واژه نسل‌کشی، نابودی یک گروه ملی یا نژادی می‌باشد. این واژه از سوی نویسنده ابداع گردیده است تا به عملی

قدیمی در چهره جدید آن معنا ببخشد. این واژه از لغت یونانی «نژاد و قبیله Genos» و کلمه لاتین «کشتن Cide» گرفته شده است. به‌طو کلی، نسل‌کشی جز در موردی که اقدام مرتکبان با کشتار دسته جمعی افراد آن ملت همراه است، لزوماً لایه معنای نابودی بنیان‌های ضروری زندگی گروه‌های ملی با هدف از بین بردن خود گروه تشکیل می‌شود. نسل‌کشی علیه گروهی ملی که موجودیتی مستقل دارد انجام می‌گیرد و ارتکاب اقدامات مورد بحث نه به‌دلیل شخصیت فردی قربانیان بلکه به واسطه عضویتشان در گروه ملی ارتکاب می‌یابد.» (عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

از نظر لمکین، نسل‌کشی یعنی نابودی یک ملت یا یک قوم و منظور از نسل‌کشی ضرورتاً نابودی فوری یک ملت نیست بلکه مراد طرحی است مشتمل بر یک سلسله اعمال متفاوت که بنیادهای اساسی حیات گروه‌های ملی را به ویرانی می‌کشد تا در نهایت به انهدام این گروه‌ها بیانجامد. هدف چنین برنامه‌ای از هم پاشیدن نهادهای سیاسی و اجتماعی فرهنگ، زبان، احساسات ملی، دین و موجودیت اقتصادی گروه‌های ملی و نابودی امنیت شخصی، آزادی تندرستی، شایستگی و همچنین حیات افرادی است که به این گروه‌ها تعلق دارند. نسل‌کشی توجه به حیات یک گروه ملی به‌عنوان یک موجود دارد و موجب اعمالی می‌شود که متوجه افراد نه به لحاظ برخورداری از اهلیت فردی بلکه به عنوان اعضای گروه ملی است (عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

تلاش‌های خستگی‌ناپذیر لمکین و حمایت مؤثر افکار عمومی و فشار مطبوعات و رسانه‌های مهم آن دوران موجب شد تا مسأله نسل‌کشی و تصویب کنوانسیون در جهت جلوگیری از ارتکاب آن در آینده و مجازات مرتکبان احتمالی آن، از بدو تأسیس ملل متحد در دستور کار این نهاد قرار گیرد (عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

مفهوم نسل‌کشی به‌عنوان جنایت بین‌المللی نخستین بار به هنگام تدوین اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ مطرح شد. هرچند در اساسنامه به‌جای نسل‌کشی، وصف عام جنایات علیه بشریت به‌کار رفته است و در رأی دادگاه نیز اشاره‌ای به این مقوله نشده است، و با آنکه در اساسنامه ارتباط جنایات علیه بشریت با جنایات جنگی یا جنایات علیه صلح

بودن جمعیت شرطی است که در اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا نیز به ترتیب در مواد ۵ و ۳ وجود دارد. ارتکاب مصادیق فوق‌الذکر بر علیه نظامیان می‌تواند جزو جنایات جنگی طبقه‌بندی شود چون نظامیان یک کشور در حال جنگ تحت حمایت حقوق بین‌الملل بشر دوستانه قرار دارند.

۲- سازوکارهای عدالت ترمیمی برای قربانیان

بسیاری از انواع اعمال نادرست در جریان جنایات جمعی رخ می‌دهد و راه‌های مختلفی نیز ممکن است برای پاسخگویی به عاملان آن در دسترس باشد. برخی از ابزارهای قانونی بر مسؤول دانستن مجرمان در قبال جنایات، تخلفات و سوء استفاده‌هایی که علیه غیرنظامیان مرتکب شده‌اند، تمرکز می‌کنند. این ابزارهای قانونی ممکن است شکل مستقیمی از عدالت را برای قربانیان فراهم کنند. سایر ابزارهای قانونی بر مسؤول دانستن افراد برای سایر اعمال غیرقانونی که ممکن است به‌طور مستقیم کمتر قربانیان را تحت تأثیر قرار داده باشند، تمرکز دارند. در چارچوب تلاش‌ها برای پیگیری عدالت برای جنایات، این دسته دوم از ابزارهای قانونی ممکن است به ایجاد فشار بر تصمیم‌گیرندگان برای اجرای عدالت کمک کند. در این بخش نمونه‌هایی از هر نوع ابزار مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۱- استفاده از قوانین و مقررات داخلی

عدالت کیفری بین‌المللی از اوایل دهه ۱۹۹۰ به طور قابل توجهی توسعه یافته است و فرآیندهای جنایی را افزایش داده است. از آنجایی که بسیاری از نظام‌های داخلی عدالت ترمیمی را به‌عنوان جایگزین یا مکمل عدالت خصمانه ارائه می‌کنند، تلاش دیوان بین‌المللی کیفری برای تقویت سیستم‌های قضایی داخلی می‌تواند عناصر کلیدی عدالت ترمیمی را که استانداردهای بین‌المللی را برآورده می‌کند، شناسایی کند. ایده مبتکرانه مکمل بودن (صلاحیت تکمیلی دیوان) در اساسنامه رم نویدبخش تقویت راه‌های متعدد جبران خسارت و پیشگیری از خشونت در محیط‌های بین‌المللی، ملی و محلی است. بر این اساس برگزاری دادگاه در کشور دارای صلاحیت می‌تواند زمینه جبران خسارات وارده

شرط شده است، با این حال در سال‌های بعد بود که مفهوم نسل‌کشی رفته‌رفته استقلال خود را نسبت به جنایت علیه بشریت کسب کرد.

۱-۳- جنایت علیه بشریت

در سال ۱۹۱۵ پس از قتل عام ارامنه توسط دولت عثمانی اعلامیه مشترکی توسط سه کشور انگلستان و روسیه و فرانسه صادر شد و این قتل عام را جنایت علیه بشریت و تمدن معرفی کردند. این اصطلاح برای اولین بار بود که در اسناد رسمی بین‌المللی استفاده می‌شد. پس از جنگ جهانی دوم، جنایت علیه بشریت به همراه جنایت جنگی و جنایت علیه صلح موضوع صلاحیت دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو قرار گرفت. برخلاف جنایت جنگی که علت جرم‌انگاری ریشه در عمل متقابل دارد، مبنای جرم‌انگاری جنایت علیه بشریت، حمایت از حقوق بشر است. در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جنایت علیه بشریت تعریف شده است که شباهت زیادی با بند "ج" ماده ۶ منشور نورنبرگ، ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی و ماده ۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا دارد.

ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت علیه بشریت را اینگونه تعریف کرده است: «منظور از جنایات ضد بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌گردد. قتل؛ ریشه کن کردن؛ به بردگی گرفتن؛ اخراج یا انتقال اجباری یک جمعیت؛ حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود؛ شکنجه؛ تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها؛ تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا علل دیگر...»

در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ضمن معرفی مصادیق جنایت علیه بشریت به دو شرط غیر نظامی بودن جمعیتی که مورد حمله قرار گرفته است و گسترده بودن و یا سازمان یافته بودن حمله اشاره شده است. غیر نظامی

به بزده دیده را با استفاده از سازوکارهای داخلی بیشتر از رسیدگی به پرونده در دادگاه بین‌المللی کیفری فراهم آورد.

۲-۲- ایجاد ائتلاف‌های پایدار با محوریت قربانیان

ائتلاف‌ها می‌توانند با گرد هم آوردن مهارت‌ها و تخصص‌های مختلف افراد در تصمیم‌گیری و فعالیت‌ها، بستری را برای توسعه راه‌حل‌های خلاقانه برای مشکلات پیچیده فراهم کنند. ائتلاف‌ها همچنین ممکن است به عنوان منبع حمایت و همبستگی متقابل عمل کنند. در برخی موارد، آن‌ها حتی ممکن است با افزایش تعداد گروه‌هایی که روی یک موضوع کار می‌کنند و اجازه می‌دهند افراد و گروه‌ها به‌طور ناشناس از طریق ائتلاف در ارتباط باشند، امنیت را به اعضا ارائه می‌دهند. ائتلاف‌های محلی، منطقه‌ای، ملی یا فراملی می‌توانند برای رسیدگی به یک هدف مشترک خاص تشکیل شوند، پس از آن منحل شوند، یا می‌توانند برای بسیج اقدامات پایدار در یک دوره زمانی طولانی‌تر باقی بمانند. آن‌ها همچنین می‌توانند از نظر ساختار بسیار متفاوت باشند، از سازمان‌های رسمی که دارای دفتر مرکزی و کارکنان هستند تا وابستگی‌های غیررسمی‌تر و انعطاف پذیرتر که اغلب به گروه‌های علاقه‌مند داوطلب متکی است (Martlew, 2020: 25).

در زمینه پیشبرد عدالت و پاسخگویی در قبال جنایات، ایجاد ائتلاف قربانی‌محور سه مزیت خاص را ارائه می‌دهد: نخست اینکه اگر انگیزه‌ای برای اجرای عدالت پس از جنایات توسط نهاد حاکمیتی وجود نداشته باشد، تشکیل یک گروه قربانی با سایرین در جامعه و پیوستن به گروه‌های دیگری که این جرایم را تجربه کرده‌اند، می‌تواند نادیده گرفتن صدای آن‌ها را برای حاکمان دشوارتر کند.

دوم اینکه تشکیل ائتلاف‌ها می‌تواند اهداف مشترک را هماهنگ کند. پس از تصمیم به اجرای یک فرآیند عدالت، باید تعیین شود که چه اقدامات خاصی اتخاذ گردد و چگونه آن‌ها اجرا شوند. برای مؤثر بودن، این اقدامات باید بر اساس خواسته‌های افراد آسیب‌دیده باشد. با این حال، تصمیم‌گیرندگان همیشه با افراد آسیب‌دیده مشورت نمی‌کنند، و زمانی که این کار را انجام می‌دهند، انجام راه‌حل‌هایی که منافع همه را برآورده کند، همیشه امکان‌پذیر نیست. با

تشکیل ائتلاف‌های قربانی محور، گروه‌های قربانی می‌توانند به‌طور خصوصی برای همسو کردن دیدگاه‌ها، اولویت‌ها و اهداف خود در جوامع مختلف کار کنند. این همسویی می‌تواند فرآیند را ساده کند و تصمیم‌گیری حاکمیت را آسان‌تر کرده تا گام‌هایی را به نفع قربانیان بردارند.

سوم اینکه ائتلاف‌ها می‌توانند منابع موجود و مهارت‌های در دسترس را تجمیع نمایند. هر سازمان مشارکت کننده در ائتلاف، دارای مزیت‌های نسبی مختلف و توانایی‌های متمایز برای تحقق عدالت است. با تشکیل یک ائتلاف، سازمان‌ها، منابع و مهارت‌های خود را با هم ترکیب می‌کنند که به کل ائتلاف اجازه می‌دهد تا از توانایی‌های متنوع هر سازمان در داخل ائتلاف بهره مند شوند.

با این حال، تشکیل یک ائتلاف قربانی محور با گروه‌های مختلف قربانی همیشه ممکن یا مناسب نیست. اگر گروه‌های قربانی از نظر فیزیکی از یکدیگر دور باشند یا به زبان‌های مختلف صحبت کنند، ممکن است برای دور هم جمع شدن، با مشکل مواجه شوند. سفر ممکن است دشوار باشد، و آن‌ها ممکن است راه‌های ارتباطی امن یا قابل اعتمادی نداشته باشند (Rabinowitz, 2020: 25).

همچنین فعالیت ذیل اینگونه ائتلاف‌ها چالش‌هایی را نیز به همراه دارد. نخست اینکه کار به‌عنوان ائتلاف مستلزم سازش است. کار به‌عنوان یک ائتلاف مستلزم این نیست که اعضای ائتلاف در مورد همه چیز به توافق برسند، اما معمولاً آن‌ها را ملزم می‌کند که در راستای اهداف مشترک خود مصالحه کنند. مصالحه کردن، به‌ویژه در مورد مسائلی که به عدالت، آسیب و بهبودی مربوط می‌شود، می‌تواند دشوار باشد. در برخی موارد منجر به تصمیماتی می‌شود که همه اعضای ائتلاف از آن‌ها حمایت نمی‌کنند. اختلافات و تنش‌ها بین گروه‌های قربانی می‌تواند گرد هم آمدن را دشوار کند. هدف ائتلاف‌های قربانی‌محور گرد هم آوردن انجمن‌های مختلف است تا بتوانند تجربیات و دیدگاه‌های خود را به اشتراک بگذارند. در برخی موارد ممکن است این گروه‌ها قبلاً با یکدیگر در تضاد بوده یا هرگز با هم کار نکرده یا ممکن است دیدگاه‌های آشتی‌ناپذیر متفاوتی داشته باشند. کار با یکدیگر

اکثر ناظران اذعان دارند که اعمال اقدامات عدالت ترمیمی در برابر جنایات بین‌المللی هنوز در مرحله اکتشافی است و اطلاعات بیشتری در مورد کاربرد و عملکرد آنها مورد نیاز است. اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های عدالت ترمیمی مستلزم ابتکارات راهبردی و نوآورانه‌ای است که بر همکاری دولت‌ها، جوامع، سازمان‌های غیردولتی، قربانیان و مجرمان بنا شده است. علاوه بر برنامه‌های جدید، ساختارها و فرآیندهای عدالت موجود ممکن است برای ترکیب عناصر عدالت ترمیمی تطبیق داده شوند.

برخی از نتایج فرآیندهای عدالت ترمیمی می‌تواند شامل موارد زیر باشد: عذرخواهی. توافقات/تعهدات شفاهی و/یا کتبی؛ وعده‌هایی در مورد رفتار آینده؛ استرداد/غرامت یا خدمات اجتماعی با این حال، تعریف نتایجی که از طریق فرآیند ترمیمی به دنبال خواهند بود، بسیار پیچیده‌تر از انتخاب تعدادی از فهرست بالا است. در نهایت می‌توان گفت عدالت ترمیمی در مسیر حل و جبران خسارت قربانیان، صلح و سازش درباره جرایم مربوط به نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت هنوز بسیار نوظاست. اما با توجه به همه برنامه‌های ترمیمی و توصیه‌های بین‌المللی باز جای یک برنامه جامع و کامل که توسط سازمان‌های حقوق بشری انجام شود خالی است. بنابراین ارکان سازمان ملل و سازمان‌ها و نهادهای مردمی و حتی دولت‌ها باید در مسیر تحقق عدالت ترمیمی در نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت گام بردارند.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی در این پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: این پژوهش، توسط نویسنده نخست نگارش یافته و توسط سایر نویسندگان نظارت شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رسانده‌اند سپاس‌مندیم.

در آن شرایط، حتی اگر گروه‌های قربانی اهداف مشترک یا مشابهی برای عدالت و پاسخگویی داشته باشند، ممکن است به سادگی امکان‌پذیر نباشد.

دوم اینکه کار به‌عنوان یک ائتلاف ممکن است مخاطره‌آمیز باشد. در برخی زمینه‌ها، گروه‌ها یا ائتلاف‌ها باید نزد مقامات محلی یا ملی ثبت نام کنند؛ شرطی که ممکن است برای گروه‌ها یا ائتلاف‌هایی که می‌خواهند دولت خود را مورد بازخواست قرار دهند، خطرناک باشد. گروه‌های قربانی که در حال بررسی تشکیل ائتلاف هستند ممکن است از قبل در هنگام تشکیل گروه خود به این خطرات فکر کرده باشند، اما ارزیابی مجدد آنها هنگام تشکیل ائتلاف مهم است.

۲-۳- تأکید بر مفهوم بخشش

بخشش، عنصر اصلی عدالت ترمیمی، برای تشریح خاطر قربانی ضروری است. بدون بخشش، تلخی و میل به انتقام غالباً شخص را اسیر می‌کند و مانع از تشریح او و در نتیجه خروج از چرخه خشونت می‌شود. بنابراین بخشش وسیله قربانی برای رها کردن قدرتی است که ممکن است بر مجرم داشته باشد. در این معنی، بخشش نیروبخش و شفافبخش است و موجب تحصیل حاصل. بدون آن، درگیری، از طریق چرخه خشونت و انتقام، اجازه ادامه یافتن دارد. بنابراین، بخشش برای ترویج پایان دادن به درگیری، با قطع چرخه‌های انتقام که واکنش‌های بشری به بی‌عدالتی در جهان امروز است، ضروری است.

نظام عدالت سنتی بخشش را ترویج نمی‌کنند. در واقع، چنین سیستم‌هایی تشویق می‌کنند که به بی‌عدالتی با زور یا خشونت پاسخ دهند. در نتیجه، چنین سیستم‌هایی باعث پایان دادن به درگیری نمی‌شوند و به پایان دادن به جنایات و درگیری‌های بین‌المللی کمک نمی‌کند. در جرایم شدیدی مانند نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت، تقاضای بخشش از سوی مجرم و پذیرش آن از سوی قربانی می‌تواند به سریع‌ترین وجه، رضایت خاطر قربانیان را به‌جای ورود به یک فرایند طولانی مدت تأثرانگیز فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

- Vanness, D & Heet, K (2013). *Restorative justice; an introduction to restorative justice*. 21th ed., UK: Routledge.

- Zehr, H & Mika, H (2003). *Restorative justice critical issues*. UK: Gorden Hughes Sage.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

- دونوون و دوروزل (۱۳۵۴). *مبانی و مقدمات تاریخ روابط بین‌الملل*. ترجمه احمد میرفندرسکی، چاپ اول، تهران: حسینیه ارشاد.

- رهامی، محسن (۱۳۸۵). «زمینه‌های عدالت ترمیمی در حقوق ایران». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ۷۴:

- زهر، هوارد (۱۳۸۸). *کتاب کوچک عدالت ترمیمی*. ترجمه حسین غلامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- شیر، عباس (۱۳۸۵). «فرایندهای عدالت ترمیمی». *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱: ۱۷-۵۴.

- عزیزی، ستار (۱۳۸۶). «حمایت از حق موجودیت اقلیت‌ها در پرتو مجازات مرتکبان ژنوسید در رویه قضایی بین‌المللی». *فصلنامه حقوق*، ۳۷(۴): ۱۲۵-۱۶۰.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۲). «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی». *مجله الهیات و حقوق*، ۹: ۳-۳۸.

ب. منابع انگلیسی

- Mankel, C (2007). *Restorative Justice: What is it and Does it Work*. Washington: Georgetown University

- Martlew, N (2020). *Creative Coalitions: A Handbook for Change*. Available at: <https://crisisaction.org/Handbook/contents>.

- Rabinowitz, Ph (2020). *Choosing Strategies to Promote Community Health and Development*. Kansas: The Community Toolbox.